



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

مصاحبه پژوهشی:

به مناسبت "پنج مهر" سالروز شکست حصر آبادان

نحوه امداد رسانی به آبادان در زمان حصر این شهر



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: شامحمدی

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	* مقدمه
۱	* چگونه سقوط خرمشهر و محاصره آبادان
۱	* روایت مقام معظم رهبری از حصر آبادان
۲	* نحوه امداد رسانی به آبادان در زمان حصر این شهر
۲	* معرفی موقعیت جغرافیایی بندر امام خمینی (ره)
۲	* نحوه امداد رسانی به آبادان در مصاحبه پژوهشی با چند تن از مسئولان وقت منطقه:
۴	* -معرفی مختصر بندر چوئنده آبادان
۶	* -نقش کامیون‌داران در کمک رسانی به آبادان
۶	* -جمع بندی



* مقدمه

با شروع جنگ تحمیلی نیروهای رژیم بعث عراق از زمین و هوا؛ خوزستان را مورد هجوم بی رحمانه خود قرار دادند که این هجوم در برخی مناطق مرزی مانند آبادان و خرمشهر سریع‌تر از سایر شهرهای این استان بود.

صدام که از همان روزهای ابتدایی جنگ با هدف فتح سه روزه خوزستان هجوم به مرزهای این استان را آغاز کرده بود؛ از جوانمردی و غیرت ایرانیان که با وجودی که از پیروزی انقلاب زمان زیادی نگذشته بود و کشور برای یک هجوم تمام عیار آمادگی و زیرساخت‌های لازم را نداشت؛ غافل بود.

در همان هفته‌های ابتدایی جنگ خرمشهر علاوه بر مقاومت سرسخته و غیرتمندانه مردم و رزمندگان به دست اشغال‌گران افتاد و در ادامه آن آبادان نیز به محاصره دشمن درآمد. با توجه به نبود زیرساخت‌های لازم در مواجهه با هجوم صدام؛ مهمترین مسئله در حصر آبادان؛ نحوه امداد رسانی به این شهر بود موضوعی که تاکنون کمتر بدان پرداخته شده است. در این نوشتار که با استفاده از منابع اسنادی و در مصاحبه با چند تن از افرادی که در آن دوره مسئولیت‌هایی را به عهده داشتند؛ به نحوه امداد رسانی به آبادان در طول یک سال حصر پرداخته شده است.

* چگونه سقوط خرمشهر و محاصره آبادان

با ادامه حملات رژیم بعث عراق به این استان؛ خرمشهر در نیمه شب سوم آبان سال ۵۹ در حالی که نیروهای ارتش بعث با سازماندهی و تجهیز لشکرهای مستقر در جبهه خرمشهر و همچنین فراخوانی نیروهای تازه‌نفس به این جبهه، هجومی وسیع و گسترده را به شهر آغاز کردند و پس از جنگی نابرابر، وارد خیابان‌های خرمشهر شدند. رزمندگان و مردم شهر در اطراف پل خرمشهر که حالا به نام خونین‌شهر شناخته می‌شد، تلاش بسیاری کردند تا از پیشروی نیروهای صدام جلوگیری کنند، اما سرانجام در غروب چهارم آبان سال ۱۳۵۹ و پس از مجاهدتهای فراوان مردم (که با دست‌های خالی از شهر خود دفاع می‌کردند)؛ مقاومت بسیج؛ سپاه و ارتش؛ به اشغال دشمن درآمد و ۱۹ ماه در اشغال دشمن قرار داشت.^۱ با اشغال خرمشهر؛ آبادان نیز در محاصره قرار گرفت و این حصر حدود یک سال طول کشید که در نهایت با تأکیدات موکد امام خمینی (ره) که فرمودند: "حصر آبادان باید شکسته شود"^۲ طی عملیات ناهم‌نام حصر آبادان شکسته شد.

* روایت مقام معظم رهبری از حصر آبادان^۳

بر کسی پوشیده نیست که یکی از خاطرات تلخ دفاع مقدس، محاصره آبادان است. مقام معظم رهبری در قسمتی از خاطراتشان درباره حصر آبادان و اهمیت راه آبی (از بندر ماه‌شهر به چوئبده) می‌گویند:

^۱ - خبرگزاری مهر؛ ۹۹/۳/۲

^۲ - ایرنا؛ ۹۹/۷/۵

^۳ - KHAMENEI.IR

* نحوه امداد رسانی به آبادان در زمان محاصره این شهر

با محاصره آبادان؛ امداد رسانی به این شهر آغاز شد. یکی از شهرهایی که نقش بسیار مهم و منحصر به فردی در امداد رسانی به آبادان داشت؛ بندر ماهشهر بود. امداد رسانی به این شهر از پذیرش مهاجرین از آبادان و خرمشهر تا ارسال آذوقه؛ مهمات؛ نیروهای مردمی جهت دفاع از شهر و غیره را شامل می‌شد.

نحوه امداد رسانی به آبادان در زمان محاصره این شهر



* معرفی موقعیت جغرافیایی بندر امام خمینی(ره)

این بندر از شمال به بندر ماهشهر، از شرق به هندیجان، از غرب به شادگان و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌شود. این بندر در دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش/ ۱۹۲۵-۱۹۴۱ م) بندر شاهپور نامیده می‌شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸ نام بندر شاهپور به بندر امام خمینی(ره) تغییر یافت.

بندر امام خمینی که در پانزده کیلومتری بندر ماهشهر قرار دارد؛ در بیست و نهم شهریور ۱۳۵۹ مورد اصابت هواپیماهای عراقی قرار گرفت. این بندر با آغاز جنگ، از نظر حمل و نقل کالا و صادرات و واردات در وضعیت خوبی بود و انبارهای آن پر از کالاهای گوناگون تجاری مانند: ماشین‌آلات، گندم، برنج، ذرت، آهن آلات و تجهیزات ماشین آلات بود **(کاظم اصلاحی از مسئولین اعزام لنج از بندر امام خمینی به آبادان در زمان محاصره این شهر)** که به وسیله کامیون و راه آهن به سرتاسر کشور، حمل می‌شدند. اسکله‌های آن فعال و کشتی‌های بزرگ، همواره در کنار اسکله‌ها پهلو می‌گرفتند. بندر امام خمینی دارای ۳۳ اسکله مناسب برای پهلوگیری کشتی‌های ۴۰ هزار تنی بود و هیچ یک از بنادر کشور دارای چنین ظرفیتی نبود.

* نحوه امداد رسانی به آبادان در مصاحبه پژوهشی با چند تن از مسئولان^۱ وقت منطقه:

با آغاز جنگ تحمیلی، اسکله‌های بندر امام خمینی توجه بسیاری را برای صادرات و واردات کالا به خود جلب کرد. این بندر در دوران دفاع مقدس توانست نام پرآوازه‌ای را از خود برجای نهد و یکی از مکان‌هایی است که مرور خاطرات آن،

^۱ - کاظم اصلاحی از مسئولین اعزام لنج از بندر امام خمینی به آبادان در زمان محاصره این شهر؛ یدالله گلابکش فرماندار وقت بندر ماهشهر در دوران دفاع مقدس؛ اسماعیل حمیدی از ناخداهای لنج در دوران دفاع مقدس. مرداد ۱۴۰۰

اسناد مهمی از دوران دفاع مقدس را ارائه می‌دهد. اداره کل بندر امام خمینی بندر ماهشهر در دوران جنگ تعطیل نشد. **(کاظم اصلاحی از مسئولین اعزام لنج از بندر امام خمینی به آبادان در زمان محاصره آبادان)**. اسکله‌های این بندر مناسب بارگیری بود. این در حالی بود که بنادر دیگری مانند بندر بوشهر، چنین ظرفیتی را نداشت و بندر عباس نیز هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده بود. که در اینجا نقش کلیدی این بندر بیشتر نمایان می‌شود^۱

یدالله گلابکش فرماندار وقت بندر ماهشهر در دوران دفاع مقدس می‌گوید: "از ستاد جنگ خوزستان که در اهواز مستقر بود، پیام می‌آمد که بندر ماهشهر را تخلیه کنید که دشمن، قصد حمله به آن را دارد. البته موقعیت بندر با آن همه امکانات، می‌توانست هر کسی از جمله صدام حسین را وسوسه کند، " بندر امام خمینی از نظر صدام هدفی بود که می‌توانست پس از سقوط خرمشهر و آبادان مورد توجه قرار گیرد.

فرماندهی ستاد منطقه سوم دریایی ارتش از خرمشهر در بندر امام خمینی، بر اساس مدارک ستاد ارونند در بندر ماهشهر، از اوایل آبان (۵۹/۸/۱) استقرار یافت.^۲ در انبارهای اداره بندر کالاهای زیادی وجود داشت؛ از جمله:



به گفته فرماندار وقت بندر ماهشهر جناب گلابکش، درهای انبار بندر امام خمینی باز شد و تقریباً همه آن وسایل، در اختیار جنگ قرار گرفت. ماشینهای سواری بلیزر در اختیار رزمندگان در بندر ماهشهر و اهواز قرار گرفت. مواد غذایی و تجهیزات به آبادان و خرمشهر ارسال شد. به طور کلی آنچه مورد نیاز جنگ بود و در انبارهای اداره بندر وجود داشت، در اختیار جنگ قرار گرفت **(گلابکش)**.

برای این‌که از طریق بندر امام خمینی به بندر چوئبده در آبادان امدادسانی شود، شناورها باید از طریق خوریات عبور می‌کردند.^۳ گاهی آب دریا در برخی از خورها، زمینهای گسترده‌ای از سواحل را در بر می‌گیرد و کرانه‌ها، باتلاقی می‌شود. برخی خورهای مهم سواحل جنوب ایران، عبارت است از خور موسی که بزرگ‌ترین خور در کرانه جنوبی ایران است.^۴

از بندر امام خمینی برای ارسال نیرو و تجهیزات به چوئبده آبادان چند گروه بسیج شدند:

دسته اول: لنج‌ها، بارچه و یدک‌کش‌های متعلق به مردم

دسته دوم: بالگردهای هوانیروز و بالگردهای نیروی دریایی ارتش

دسته سوم: شناورهای اداره بندر امام خمینی

دسته چهارم: هواناوها یا (هوارکرافت).

بسیج امکانات به طرف آبادان از بندر امام برای مسئولانی که تجربه و پیشینه‌ای از جنگ نداشتند، کاری بسیار سخت بود، ولی از خودگذشتگی و جسارت مردم؛ توانست پشتیبانی عظیمی از آبادان را رقم بزند **(کاظم اصلاحی)**. با توجه به شرایط جنگی، لنج‌هایی که از بندر امام خمینی به طرف بندر چوئبده آبادان حرکت می‌کردند، شبانه باید بار می‌زدند و بیشتر در شب بدون چراغ و نور کافی فعالیت می‌کردند، لذا کار حمل و نقل در تاریکی مطلق صورت می‌گرفت.

۱ - احمد ناصری: پرواز ملکوتی دریانوردان، قم، سپهر اندیشه، چاپ اول، ۱۳۹۱.

۲ - سید یعقوب حسینی، ص ۱۳۶، عملیات پدافندی ارونند در مهر و آبان ۱۳۵۹؛ تهران، ایران سبز، چاپ اول، ۱۳۹۷

۳ - خوریا؛ خلیج کوچک، پدیده طبیعی آبی است که عمدتاً در دهانه رودخانه‌ها ایجاد می‌شود. این اصطلاح، بیشتر برای پدیده طبیعی در خلیج- فارس به کار می‌رود. مانند خور عبدالله و خور موسی

۴ - ص ۴۰۷، خسرو خسروی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۶، تهران ۱۳۹۰، زیر نظر غلامعلی حداد عادل)

فرمانداری بندر ماهشهر به "حسین روزگرد" به‌عنوان نماینده در اداره بندر، حکمی می‌دهد که ایشان در آن جا حضور پیدا کند و در کارهای حمل و نقل توسط لنج‌ها نظارت داشته باشد ولی ظاهراً همان اوایل، یعنی وقتی که جاده بندر ماهشهر-آبادان بسته شد و راهی وجود نداشت که به آبادان کمک‌رسانی شود، لنج‌ها فعالیت خودشان را آغاز کردند؛ یعنی در دهه اول آبان ۱۳۵۹ را می‌توان آغاز امداد‌رسانی با لنج‌ها عنوان کرد.

لنج‌ها از بندر امام، مهمات و اسلحه و سایر وسایل مورد نیاز را حمل و از راه خوریات به طرف بندر چوئیده حرکت می‌کردند. البته اولویت حمل‌بار با مهمات و سلاح و سپس با نیروهای رزمنده بود، مواردی که مهمات و اسلحه حمل می‌شد، نیروهایی نظامی به همراه لنج سوار می‌شدند. اسکله‌ای که در آن مهمات و سلاح بارگیری می‌شد تحت نظارت برادران ارتش بود و با اسکله‌ای که در آن مردم سوار می‌شدند و مواردی به‌جز سلاح و مهمات بود، تفاوت داشت (اسماعیل حمیدی).^۱

*- معرفی مختصر بندر چوئیده آبادان

بندر چوئیده در آن دوران، بخش کوچکی از آبادان و از حداقل امکانات برخوردار بود و در ۳۵ کیلومتری جنوب‌شرقی آبادان در کنار رودخانه بهمنشیر قرار داشت. در چوئیده، امکاناتی مانند اسکله بندری وجود نداشت و کسانی که می‌خواستند سوار لنج شوند باید در میان شُل و گل یا تخته چوبی برای سوار شدن استفاده می‌کردند. البته برای زنان، کودکان و پیران، کار آسانی نبود. لذا در ابتدا حمل و نقل مهاجران از چوئیده، چون امکاناتی فراهم نبود، کار سختی بود. ملوانان با امکانات درون لنج، خو گرفته بودند. اما تجهیزات داخل لنج، برای زنان، مردان، کودکان و سالمندان مناسب نبود. اولویت حمل از چوئیده به بندر امام با مجروحان، شهدا و سپس سایر مردم بود. همیشه لنج برای سوار شدن مهیا نبود، گاهی اوقات برای سوار شدن به آن باید ساعتها در آن شرایط بی‌امکانات، مردم یا رزمندگان تحمل می‌کردند. تردد در این مسیر خالی از خطر نبود. آنانی که تمام سرمایه خود را که فقط یک لنج بود، در معرض خطر حمله هواپیماها و موشک‌های دشمن قرار دادند و اقدام به کمک‌رسانی به مردم آبادان و خرمشهر و اروندرکنار کردند. حضور این همه لنج، توانست قسمت مهمی از بار امداد‌رسانی به آبادان را بر دوش کشد و مانع از سقوط آبادان شود. (کاظم اصلاحی).

"یدالله گلابکش فرماندار وقت بندر ماهشهر" روایت می‌کند که ما برای بررسی اوضاع، در جاده آبادان بندر ماهشهر مدام در رفت‌وآمد بودیم و از نزدیک، وضع را کنترل می‌کردیم. برای کسانی که مشکل سوخت داشتند، بی‌درنگ، خودرو می‌فرستادیم و پیاده‌ها را سوار، و از تیررس دشمن دور می‌کردیم. سه وانت داشتیم که داخل هر یک، دو بشکه ۲۲۰ لیتری بنزین بود. وانت‌ها روزی چند نوبت، در جاده تردد می‌کردند و به ماشین‌های درراه‌مانده، بنزین رایگان می‌دادند. البته سوخت‌رسانی در جاده، کار بی‌خطری نبود؛ به‌طوری که تانکر سوخت احمد شیبانی، از نیروهای داوطلب مردمی، هنگام سوخت‌رسانی به مهاجران در جاده آبادان - بندر ماهشهر، هدف قرار می‌گیرد و ایشان به شهادت می‌رسد.

"گلابکش" در ادامه با اشاره به درخواست امداد محمد جعفری، فرماندار وقت آبادان؛ نجفی فرماندار وقت خرمشهر، با یدالله گلابکش، فرماندار بندر ماهشهر، مستمر در تماس بودند و از ایشان درخواست امکانات می‌کردند.^۲

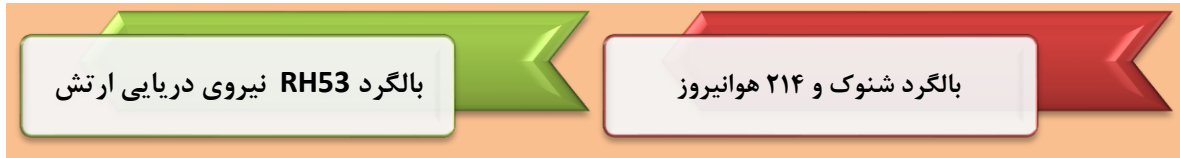
"کاظم اصلاحی"^۳ درباره امداد رسانی به آبادان می‌گوید: امداد‌رسانی به آبادان و خرمشهر در دوران حصر منحصر به لنج و هواناو یا همان هاوار کرافت نبود، بلکه بالگردها نیز در این بین نقش مهمی داشتند و از همان ابتدای بسته شدن جاده؛

۱ - اسماعیل حمیدی از ناخداهای لنج در دوران دفاع مقدس بود. مصاحبه تلفنی مرداد ۱۴۰۰

۲ - مصاحبه تلفنی؛ فرماندار وقت بندر ماهشهر در دوران دفاع مقدس؛ مرداد ۱۴۰۰

۳ - از مسئولین اعزام لنج از بندر امام خمینی به آبادان در زمان محاصره این شهر بود؛ مصاحبه تلفنی مرداد ۱۴۰۰

فعالیت آنان آغاز شد. در بندر امام خمینی نیز، محوطه‌ای را برای پرواز بالگردها درست کرده بودند که بین بندر امام خمینی در ماهشهر و بندر چوئبده در آبادان در تردد و امداد رسانی به آبادان از طریق بالگردها انجام می‌گرفت.^۱ از بالگردهایی که در آن زمان مورد استفاده قرار می‌گرفت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



"کاظم اصلاحی از مسئولین اعزام لنج از بندر امام خمینی به آبادان" در زمان محاصره این شهر با اشاره به مبداء چندین بالگرد که از پایگاه هوا- دریای بوشهر به بندر امام خمینی آمده بودند و برج مراقبتی که روی یک کانتینر ساخته شده بود که حرکت بالگردها از بندر ماهشهر تا چوئبده آبادان را کنترل می‌کرد؛ می‌گوید: بالگردها در روز تردد می‌کردند و با توجه به گنجایش زیادی که داشتند، مهمات، سلاح و رزمندگان را از بندر ماهشهر به آبادان انتقال می‌دادند. در برگشت اولویت حمل با مجروحان و بعضاً شهدا و رزمندگانی بود که می‌خواستند به بندر ماهشهر بازگردند. بالگردها البته در معرض خطر بیشتر بودند، ولی سرعت عمل و پرواز سریع آنها گنجایش زیادی در امداد به آبادان داشت و شجاعت خلبانان در این بین نیز به یاد ماندنی است.^۲

"یدالله گلابکش با اشاره به خاطره ای از آن دوران و پشتیبانی از آبادان می‌گوید:

امدادرسانی به خرمشهر و آبادان از وظایف دیگر فرمانداری بندر ماهشهر بود. وضع خرمشهر و آبادان به گونه‌ای ورق می‌خورد که به کمک و امداد ضروری نیاز داشت. **مواردی چون عوامل زیر که دل هر انسانی را به درد می‌آورد.**



* نقش هوارکرافت در امداد رسانی به آبادان

هواناو یا همان هوارکرافت، در زمان محاصره آبادان، انتقال مهمات، سلاح و نیرو از بندر امام به چوئبده نقش بسیار مهمی داشت. هواناوها در بندر امام، پنج فروند بودند (**کاظم اصلاحی**). در بندر، اسکله‌ای جداگانه داشتند که توسط نیروی دریایی ارتش اداره می‌شد و سلاح، مهمات و نیروها را از بندر امام خمینی به چوئبده منتقل می‌کردند و در مسیر برگشت مجروحان، شهدا و رزمندگان را حمل می‌کردند.

در بندر چوئبده، نیروی دریایی ارتش مقری داشت که هواناوها در آن جا پهلو می‌گرفتند. هواناوها در شب تردد می‌کرد و مسیر آنها از بندر امام خمینی عبارت بود از خور موسی، کناره خلیج فارس و بهمنشیر و بالعکس هواناوها به دلیل گنجایش زیاد و

^۱ - کاظم اصلاحی از مسئولین اعزام لنج از بندر امام خمینی به آبادان؛ مصاحبه تلفنی؛ مرداد ۱۴۰۰

۲ - همان

سرعت بالا در امداد رسانی به آبادان نقش بسیار مهمی داشتند و توانستند میزان بالایی از مهمات و تجهیزات را در دوران حصر آبادان انتقال دهند (همان).

* نقش کامیون داران در کمک رسانی به آبادان

کامیون داران بندر ماهشهر در سال ۱۳۵۹، حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ کامیون تریلی و کمپرسی در اختیار، و تشکلی داشتند به نام سندیکای کامیون داران. سندیکا براساس برنامه‌ای منظم، کامیون داران را به جبهه می‌فرستاد و این خدمت رسانی در ابتدای جنگ و دوران محاصره آبادان، بسیار مهم بود. آنها رزمنده‌ها را جابه‌جا می‌کردند، مهمات و تجهیزات را به جبهه می‌بردند و برای احداث جاده، شن و ماسه انتقال می‌دادند.

در واقع همه کامیون داران در دوران جنگ، چند بار به جبهه اعزام می‌شدند، خطر را به جان می‌خریدند، سرمایه‌شان را در دست می‌گرفتند و در راه خدمت به رزمندگان و مردم ایران، گام‌هایی اساسی برمی‌داشتند (کازم اصلاحی).

به طور خلاصه می‌توان گفت امداد رسانی به آبادان از بندر امام خمینی:

در دوران محاصره آبادان، پلی از بندر امام خمینی بندر ماه شهر به بندر چوئبده ساخته شد. پایه‌های این پل بر دوش هواناوها، بالگردها، لنج‌ها و شناورها بود. این پل توانست نیازهای رزمندگان و مدافعان دلاور مرد را در آبادان و خرم شهر تأمین کند. کمک‌های ار سالی از بندر ماه شهر، نه تنها آبادان را از خطر سقوط حفظ کرد، بلکه جان بی‌شماری از مردم خرم‌شهر، آبادان و اروندکنار را حفظ کرد. این پل و خوریات، یادآور گذشت و ایثار مجاهد مردانی است که جان و سرمایه خود را در کف دست نهادند و سلاح، مهمات و آذوقه رساندند و از طرف دیگر جان مرد و زن بی‌دفاع را نجات دادند. این پل، نقش بی‌بدیلی در دوران دفاع مقدس رقم زد.

* جمع بندی

در نگاهی کلی می‌توان گفت که محاصره آبادان در دوران دفاع مقدس آن قدر اهمیت داشت که امام خمینی (ره) دستور اکید دادند که "محاصره آبادان باید شکسته شود". البته شرایط خاص کشور در آن دوران سخت موجب شده بود که همت و همدلی مردم و مسئولان مانع از آن شود که این محاصره ادامه دار باشد.

در این میان نقش استراتژیک بندر امام خمینی در امداد رسانی به آبادان در زمان محاصره این شهر؛ منحصر به مواردی که در بالا بدان‌ها اشاره شد؛ نبود. بلکه وضع خرمشهر و آبادان به‌گونه‌ای ورق می‌خورد که به کمک و امداد بیشتر نیاز مبرم داشت. برخی از مسئولان از تهران، اهواز و دیگر شهرها، پیایی برای سرکشی و آگاهی از وضع جنگ و جبهه به بندر ماهشهر می‌آمدند و در این شهر، توقف و اسکان داشتند. برای نمونه، شهید رجایی، که نخست وزیر بود، در بندر ماهشهر، سر همان سفره‌ای می‌نشست که دیگران می‌نشستند. مقام معظم رهبری، مرحوم خلخالی، دکتر مصطفی چمران و شهید محمد منتظری هم به بندر ماهشهر می‌آمدند و از نزدیک، شرایط جنگ را مشاهده می‌کردند.

به نظر می‌رسد پس از سالها از پایان جنگ ناگفته‌های زیادی در امداد رسانی به آبادان در زمان محاصره این شهر هنوز وجود داشته باشد که کمتر بدان پرداخته شده است که جا دارد نویسندگان حوزه دفاع مقدس و مسئولان این حوزه همت کنند تا این سرمایه گرانبها را به عنوان سندی از غیرت و رشادت ایرانیان برای آیندگان به یادگار نهند.